

The Principle of Continuity of Public Services and Its Impact on Achieving Good Governance in the Islamic Republic of Iran

Mohammad Saremi¹, Mahdi Kordbacheh Hosseinabad², Yaser Roostaei Hosseinabadi³ 

¹ Ph.D. Candidate, Department of Public Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
sareميمohammad@yahoo.com

² Department of International Law, VaP.C., Islamic Azad University, Varamin, Iran (**Corresponding author**).
mehdikh175@yahoo.com

³ Department of Law, Min.C., Islamic Azad University, Minab, Iran. yasserroostaei@yahoo.com

Abstract

The present study aims to examine the necessity of the principle of continuity of public services and its impact on achieving good governance within the framework of Iran's legal system. The realization of good governance is attainable through various channels, one of the most significant of which is undoubtedly the provision of public services. The principal issue addressed in this study is the relationship between these two variables. The provision of public services constitutes one of the defining features of the modern state, seeking to ensure public satisfaction, and consequently the continuity of governance, through the promotion of public welfare. Over time, this concept has evolved into an established body of explicit legal rules governing public services. The principal research question is how the level, quality, and continuity of public services in Iran facilitate the achievement of good governance. The governing framework for addressing this question is provided by the supreme legal norms of the Islamic Republic of Iran. It is argued that the provision of public services, through guaranteeing such rights as the right to education, the right to health, social security, freedom of religion, gender equality, and related rights, enhances public satisfaction with governing authorities in Iran and thereby facilitates the realization of good governance.

Keywords: Continuity of Public Services; Public Interest; Social Need; Good Governance.

Received: 2025-05-20 ; **Received in revised form:** 2025-07-07 ; **Accepted:** 2025-08-08 ; **Published online:** 2025-12-26

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2044387.2252>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



اصل استمرار خدمات عمومی و تأثیرات آن در دستیابی به حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران

محمد صارمی^۱، مهدی کردبچه حسین‌آباد^۲، یاسر روستایی حسین‌آبادی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

saremmohammad@yahoo.com

^۲ گروه حقوق بین‌الملل، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران (نویسنده مسئول). mehdi.kh175@yahoo.com

^۳ گروه حقوق، واحد میناب، دانشگاه آزاد اسلامی، میناب، ایران. yasser.roostaei@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ضرورت اصل استمرار خدمات عمومی و تأثیرات آن بر حکمرانی مطلوب در پرتو نظام حقوقی ایران است. دستیابی به حکمرانی مطلوب از گذرگاه‌های مختلفی میسر است که یکی از آنها قطعاً خدمات عمومی است. مسئله پژوهش حاضر بررسی ارتباط این دو متغیر می‌باشد. خدمات‌رسانی عمومی از جمله مولفه‌های دولت مدرن است که به نوعی تلاش دارد با مرفه‌سازی جامعه رضایت عمومی و در نتیجه استمرار در حکم راندن را تضمین نماید. گذشت سالیان متمادی بر این ایده سبب شد که به قوانین صریحی برای خدمات عمومی تبدیل شود. سوال پژوهش حاضر این است که سطح و کیفیت و یا استمرار خدمات عمومی در ایران چگونه دستیابی به حکمرانی مطلوب را تسهیل می‌کند؟ قاعده حاکم بر این پرسش قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران است. به نظر می‌رسد خدمات عمومی با در اختیار قرار نهادن حق آموزش، حق بر سلامت، تأمین اجتماعی، آزادی مذهب و برابری جنسیتی و... موجب افزایش رضایتمندی از حکمرانان در ایران می‌شود و امکان دستیابی به حکمرانی مطلوب را میسر می‌کند.

واژه‌های کلیدی: استمرار خدمات عمومی، منفعت عمومی، نیاز اجتماعی، حکمرانی مطلوب.

استناد به این مقاله: صارمی، محمد؛ کردبچه حسین‌آباد، مهدی؛ روستایی حسین‌آبادی، یاسر (۱۴۰۴). اصل استمرار خدمات عمومی و تأثیرات آن در دستیابی به حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۴): ص ۲۲۹-۲۴۴.

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2044387.2252>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

نظریه اصلی در مبانی حقوق اداری، نظریه «خدمات عمومی» است که فعالیت‌های دایم و موقتی عمومی را شامل می‌شود و به وسیله نهادهای حقوق عمومی یا خصوصی برای تأمین نیازهای جامعه انجام می‌شود. براساس اصول قانون اساسی ایران (مانند اصول ۳، ۲۹، ۳۰ و ۴۳)، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی باید خدماتی از قبیل برابری، قانونی بودن و تداوم ارائه دهند. خدمات عمومی که در ابتدا بیشتر به امنیت و دعاوی مربوط بود، با گسترش تمدن شامل نیازهای متنوع‌تر شد. این نظریه در قرن ۱۹ در فرانسه شناسایی گردید و مسئولیت‌های مدنی دولت در قبال خدمات کارکنانش را مشخص کرد. در این پژوهش، اصل استمرار خدمات عمومی و جایگاه عرفی و قانونی آن در حقوق اداری ایران، نسبت به اقشار خدمت‌گیرنده عام و خاص و شاخصه‌های موثر در ارائه اعم از زمانی و مکانی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. طبق یافته‌های این تحقیق در کشور ایران نقصان‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به چشم می‌خورد که ناشی از عدم برخورداری عادلانه شهروندان از خدمات عمومی می‌باشد. در ایران، اصول حقوق اداری سنتی است و نیاز به شفاف‌سازی دارد. دیوان عدالت اداری نقش مهمی در شناسایی اصول حقوق عمومی چون برابری و عدم تبعیض دارد. خدمات عمومی بنا به ضرورت ذاتی جوامع و افراد تشکیل‌دهنده با توجه به شرایط عمومی و خاص آنان، یکی از دلایل وجودی متشکله ارکان اداری دولت‌ها در اجرای وظایف اساسی خدمتگزاری می‌باشد که این امر عرفی در طول سالیان متمادی با رشد قانون‌گرایی به صورت قوانینی مستحکم درآمد و باعث رابطه مستقیم بین دولتمردان با مردم و آزادی‌های آنان شد. بنابراین، تا زمانی که عدالت اجتماعی و اقتصادی برقرار نشود، عدالت به معنای واقعی آن تحقق نخواهد یافت. تحقیق پیش‌رو با رویکردی توصیفی به تبیین وظیفه دولت در ارائه عادلانه خدمات عمومی به شهروندان و ضرورت اصل استمرار خدمات عمومی و تأثیرات آن می‌پردازد، و تلاش می‌کند تا فرایند دستیابی به حکمرانی مطلوب در پرتو آن را شرح دهد.

۲. حکمرانی خوب

تعاریف زیادی درباره حکمرانی خوب ارائه شده است. برخی حکمرانی خوب را تلاشی برای حاکمیت قانون، شفافیت، برابری، مسئولیت‌پذیری، کارآیی، اثربخشی، پاسخگویی، مشارکت در اعمال اقتدار اقتصادی، اداری و سیاسی تعریف می‌کنند (میدری، ۱۳۸۳: ص ۶). برخی دیگر حکمرانی خوب را فرآیندها، نهادها و راهکارهایی که شهروندان و نهادهای مدنی، با کمک آنها حقوق و منافع خود را دنبال و استیفا می‌کنند، می‌دانند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ص ۹۳). بانک جهانی نیز حکمرانی خوب را براساس

ویژگی‌هایی چون پاسخگویی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ص ۱۵). برخی در حکمرانی خوب به روابط ساختاری میان بخش‌های مختلف جامعه اشاره می‌کنند، برخی به شیوه عمل و روابط بین تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و برخی دیگر به ویژگی‌های حکمرانی خوب اشاره دارند. در دنیای امروز که مملو از پیچیدگی‌های فزاینده و رشد نیروهای اجتماعی و تشکلات مدتی و افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی است، حکمرانی را نمی‌توان مقوله‌ای صرفاً مربوط به سیاستمداران دانست، بلکه ناظر بر تعامل دوسویه حکومت و مردم و تحقق ویژگی‌های آن است. در این راستا، تحقق حکمرانی خوب و ویژگی‌های آن مستلزم تلقی از سیاست و حکمرانی به مثابه امر اجتماعی-سیاسی است که مهم‌ترین الزامات آن عبارتند از: گسترش همکاری بین ملت و نهادهای مدنی با حکومت و حاکمان، تعامل معطوف به ایجاد انگیزش‌های مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز مدنی و نقدهای منصفانه، گسترش و نهادمندسازی اخلاق و فضائل مدنی، نظارت‌پذیری، انتقادپذیری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری مسئولین و نهادهای مدنی، رقابت قاعده‌مند در چارچوب سازوکارهای دموکراتیک و اخلاق مدنی و تعهد کنشگران حکومتی و مدنی به مصالح جمعی، لزوم وحدت، اقتدار ملی و انسجام ملی (Johnson & Miners, 2000: p. 2).

۳. خدمات عمومی از نظر مفهومی و اصول حاکمه

۳-۱. مفهوم خدمات عمومی

مفهوم خدمات عمومی از اصول بنیادین حقوق عمومی به‌شمار می‌رود و به اندازه مفهوم اقتدار عمومی اهمیت دارد (گرچی ازندریانی، ۱۳۹۲: ص ۲۱۳). این دو مفهوم، پایه‌های غیرقابل انکار حقوق عمومی را تشکیل می‌دهند. خدمات عمومی به تأمین منافع عمومی اختصاص دارد و به همین دلیل، ویژگی خاصی نسبت به سایر خدمات ندارد. در مباحث حقوق عمومی، حاکمیت دولت براساس خدمات عمومی سنجیده می‌شود. قدرت و حاکمیت زمانی مشروع است که برای ارائه خدمات عمومی به‌کار رود. بر این اساس است که دولت باید به عنوان مجموعه‌ای از خدمات عمومی سازماندهی شود (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۷: ص ۹). نظریه خدمات عمومی در فرانسه با قضیه بلانکو در سال ۱۸۷۳م شکل گرفت، جایی که مسئولیت دولت در قبال اقدامات کارکنانش مورد بررسی قرار گرفت. این قضیه پایه‌گذار حقوق اداری نوین فرانسه شد و نظریه خدمت عمومی را تثبیت کرد (انصاری، ۱۳۸۴: ص ۷۶-۷۷). این مفهوم از حقوق اداری نوین فرانسه وارد بسیاری از کشورهای دیگر نظیر ایران شد.

۳-۲. اصول حاکم بر خدمات عمومی

خدمات عمومی که توسط دولت ارائه می‌شوند، به دلیل اینکه برای رفع نیازهای عموم شهروندان هستند، بایستی به نحو صحیحی استقرار یافته، تا همه شهروندان یکسان از آنها برخوردار شوند. علاوه بر این، انطباق خدمات عمومی با مقتضیات روز، استمرار یا ثبات این خدمات و تقدم عمومی در برخورداری از آنها پذیرفته شده است. امروزه نقش دولت‌ها در امور اجتماعی روزمره گسترش قابل توجهی یافته و به این اعتبار، خدمات عمومی بسیاری توسط دولت ارائه می‌گردد. هدف از ارائه خدمات عمومی در میان شهروندان جامعه آن است که نیازهای همه شهروندان تأمین شده و منافع و مصالح عموم مردم تأمین گردد. به همین دلیل هم خدمات عمومی در حقوق اداری بر اصول و ضوابط مهمی استقرار یافته، تا اهداف فوق تأمین شود. ازجمله مهم‌ترین اصول حاکم بر خدمات عمومی در حقوق اداری می‌توان به مواردی همچون «اصل تساوی یا برابری شهروندان در برخورداری از خدمات، اصل ثبات یا استمرار خدمات عمومی، اصل انطباق خدمات عمومی با نیازهای عمومی و همچنین اصل تقدم در استفاده از خدمات عمومی» اشاره نمود (عباسی، ۱۳۸۹: ص ۱۵۸).

۳-۲-۱. اصل تساوی در برخورداری از خدمات عمومی

یکی از اصول اساسی حاکم بر خدمات عمومی، اصل تساوی شهروندان در دسترسی به این خدمات است. این اصل ایجاب می‌کند که تمامی شهروندان به صورت یکسان از خدمات عمومی و اجتماعی بهره‌مند شوند. بنابراین، نباید معیارهایی مانند سیاست، عقیده، نژاد یا قومیت در تعیین حق دسترسی افراد به خدمات عمومی دخالت داشته باشد. علاوه بر این، دولت نیز در ارائه خدمات عمومی نباید میان شهروندان تبعیض قایل شود و افرادی را از خدمات عمومی محروم کرده و یا برای استفاده از این نوع خدمات، امتیازات خاصی را در نظر گیرد. بنابراین، اگر دولت توانایی ارائه خدمات برای همه افراد را نداشته باشد، محرومیت از این نوع خدمات باید متوجه همه شهروندان گردد؛ مگر اینکه اولویت برخی از اقشار و گروه‌ها سبب برخورداری از این مزایا باشد؛ مانند اولویت سالمندان، زنان و یا اشخاص دارای معلولیت (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۰).

۳-۲-۲. اصل ثبات یا استمرار خدمات عمومی

یکی دیگر از اصول مربوط به خدمات عمومی در حقوق اداری، اصل ثبات یا استمرار این نوع خدمات است، به این معنا که سازمان‌های عمومی اصولاً باید به صورت مداوم و بدون وقفه خدمات عمومی را ارائه نمایند. این امر به ویژه در مورد خدماتی که نیاز به استمرار در طول شبانه‌روز دارند (همچون خدمات پزشکی

در بیمارستان‌ها) اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر این، هرگونه عاملی که به استمرار خدمات عمومی توسط دولت لطمه وارد کند، اصولاً ممنوع خواهد بود. به عنوان مثال، اعتصاب کارگران علی‌رغم اینکه اصولاً امری مجاز است، در مورد کارمندان بخش‌های عمومی با محدودیت‌هایی روبه‌رو خواهد شد؛ چرا که به استمرار خدمات عمومی لطمه وارد می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۶۷).

۳-۲-۳. اصل تقدم در استفاده از خدمات عمومی

اصل تقدم دسترسی به این خدمات عمومی به این معنا که از آنجا که خدمات عمومی به نفع تمام شهروندان و مردم است و نیازهای عمومی باید تأمین شود، در صورتی که تعارضی بین منافع خصوصی افراد و منافع عمومی ایجاد شود، اولویت با امور و خدمات عمومی خواهد بود. تقدم در استفاده از خدمات عمومی و اجتماعی به این معناست که دولت باید از اختیارات خود برای تأمین منافع و مصالح عمومی بهره‌برداری کند. این امر به دولت اجازه می‌دهد تا خدمات عمومی را به‌گونه‌ای ارائه دهد که نیازهای جامعه را برآورده سازد و از منافع عمومی حمایت کند (Musgrave, 1959: p. 55). مثلاً شهرداری‌ها با استناد به این اصل می‌توانند املاکی را که در جهت توسعه خدمات عمومی باید تخریب شوند را با پرداخت مابه‌ازاء یا بهای آن ملک و بدون رضایت صاحب ملک، تخریب نمایند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۸).

۳-۲-۴. اصل انطباق خدمات عمومی با مقتضیات اجتماعی

آخرین اصل مهمی که در ارتباط با خدمات عمومی واجد توجه است، اصل انطباق خدمات عمومی با مقتضیات روز اجتماعی است. به این معنا که سازمان‌های اداری باید خدمات عمومی را به نحوی ارائه نمایند که متناسب با نیازها و مقتضیات اجتماعی باشد. به عنوان نمونه سیستم حمل و نقل یا بهداشت یا آموزش عمومی باید به نحوی باشد که امروزه بتوان از طریق آنها نیازها و مقتضیات اجتماعی همه شهروندان را پاسخ گفت. این موضوع به ویژه در قراردادهایی که دولت با پیمانکاران در رابطه با تأمین خدمات اجتماعی انعقاد می‌کند، واجد آثار مهمی است و به دولت این اختیار را خواهد داد که اگر پیمانکار قرارداد را با مقتضیات اجتماعی انجام نداد، از کارفرما بخواهد آن را مطابق نیازهای روز جامعه اجرا نموده و یا اینکه دولت قرارداد را فسخ کند. علاوه بر این، دولت می‌تواند مقررات مربوط به نحوه فعالیت خدمات عمومی را تغییر دهد و در این راستا، می‌تواند به پیمانکار طرف قرارداد خود شرایطی را تحمیل نماید که در زمان انعقاد قرارداد وجود نداشته است. مثل اینکه یک ساختمان که از طرف پیمانکار ساخته می‌شود، بایستی حتماً الزامات مربوط به ساختمان‌سازی مجاز در آن مورد رعایت قرار گرفته باشد (گرچی ازندریانی، ۱۳۹۲: ص ۸۵).

۴. ضرورت اصل استمرار خدمات عمومی و اثرات آن بر حکمرانی

جامعه بواسطه رشد و نمو و تکاملش، همواره در حال پیشرفت بوده و لازمه این پیشرفت، جامعه پویا و روان می‌باشد. روان‌سازی امور مستلزم ارائه خدمات عمومی در سطح جامعه و استفاده بهینه از این خدمات برای ارتقاء سطح کمی و کیفی امور جامعه است. بنابراین، لازم است برای اینکه این خدمات به طور مستمر در سطح اجتماع وجود داشته باشد، خوب شناسایی شده و با شناخت کامل و بروزرسانی این نوع خدمات، با مسائل روز و تکنولوژی‌های پیشرفته بتوانیم با حفظ منافع جامعه برای قشر آینده، از این خدمات استفاده‌ای مفید با بازده و درآمدی عالی داشته باشیم (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۷). خدمات عمومی بواسطه ثبات، استمرار هم دارند؛ زیرا ثبات چیزی یعنی پایداری و استمرار ذات آن چیز تا زمان بودنش و خدمات عمومی امری نسبی می‌باشد؛ چرا که امکان دارد چیزی امروز امری کاملاً خصوصی باشد، ولی بر اثر گذشت زمان و نیاز و ضرورت جامعه و منافع عمومی و امنیت، همان چیز را به خدمتی عمومی تبدیل نماید؛ مانند آموزش و پرورش که در گذشته امری خصوصی بوده، ولی هم‌اکنون امری حاکمیتی و اجتماعی و خدماتی عمومی و مستمر است (امامی، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۱۲۵). خدمات عمومی و لزوم ضرورت آن در جوامع امروزی اصلی ثابت شده و غیرقابل انکار است؛ به نحوی که این خدمات يك حداقل ثابت را در جوامع مختلف داشته و بیشتر از این حداقل بستگی به نوع سطح مالی و فرهنگی و نوع حکومت و حاکم بر جامعه دارد؛ زیرا اکنون حکومت‌ها با محوریت دولت- مردم نقش اساسی در اداره جوامع فعلی برعهده دارند و این امر باعث می‌شود که هر قدر زمامداران در رفاه حال اتباع و مردم خود کوشا باشند، به همان اندازه مردم در حمایت از این نوع حکومت‌ها کوشاتر و دقیق‌تر خواهند بود. پس، با این پیش‌فرض می‌توان گفت که ارائه خدمات و استمرار در آن در حد اعلاء و ثبات حکومت‌ها، دو کفه ترازو بوده که در جوامع امروزی باید موازنه منطقی داشته باشند. در جامعه هر امر پایداری نیاز به ارائه خدماتی مستمر برای پایداری آن امور دارد (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۱: ص ۳۵). تداوم خدمات عمومی همواره بر پایه «نیاز جامعه» و «مصلح عمومی» استوار است؛ همین مؤلفه‌ها ضرورت ورود دولت به عرصه خدمات‌رسانی را تعیین می‌کنند. افزون‌بر این، در جوامع مدرن، حتی ارائه خدمات توسط بخش خصوصی نیز مستلزم کسب مجوز از مراجع ذی‌صلاح دولتی یا نهادهای حقوق عمومی است (طباطبائی موتمنی، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴). همچنین «پذیرفتن قرارداد اجتماعی از طرف فرد، به مفهوم انصراف کامل او از حقوق و آزادی‌های طبیعی خود نیست، بلکه با عقد قرارداد، فرد آن بخش از آزادی خود را به جامعه مدنی واگذار می‌کند که با اختیارات جامعه سازگار نیست ...». افراد جوامع بشری از آزادی بدون اکتساب ارائه خدمات عمومی به نوعی متفتر و بیزار هستند، پس،

ضرورت اصل استمرار خدمات عمومی در جایگاهی می‌باشد که می‌تواند حتی نظام حکومتی را دچار مخاطره نماید و یا جایگاه آن نظام را بین مردم مشهور و محبوب و پایدار ساخته و تمامی این مسائل در گرو ارائه خدمات عمومی در جهت آسایش جامعه و استمرار این خدمات در جهت ادامه این امنیت و آسایش می‌باشد. در استمرار خدمات عمومی دلایلی وجود دارد که در ادامه می‌آید.

۴-۱. نظم عمومی

باید تأکید کرد که اصطلاحات «نظم عمومی» و «اخلاق حسنه» هر دو از ماده ۶ قانون مدنی فرانسه نشأت می‌گیرند که در آن این دو مفهوم در کنار یکدیگر آمده‌اند. این دو مفهوم مکمل یکدیگر هستند؛ زیرا مفهوم نظم عمومی به تنهایی نمی‌تواند هدف یا موضوع قوانین را مشخص کند. این مفهوم در تمامی قوانین وجود دارد، اما شدت و نحوه حضور آن متفاوت است. به همین دلیل، ماده ۶ قانون مدنی فرانسه هر دو مفهوم را به عنوان مکمل یکدیگر در نظر می‌گیرد. البته باید توجه داشت که استناد به نظم عمومی یا اخلاق حسنه با روند تحول حقوق بین‌الملل که به دنبال ایجاد قانونی جهانی برای اسناد و دعاوی است، در تضاد است. استناد به نظم عمومی مانع از اجرای قوانینی می‌شود که با اصول حقوق بین‌الملل خصوصی که در کشورهای متمدن پذیرفته شده‌اند، سازگار نیستند. بطور کلی نظم و اخلاق حسنه که از آن اسم می‌برند، دارای تعبیری ساده و شاید در تعریف آن پیچیدگی‌های حقوقی بسیار باشد، اما در گفتار عامیانه و عرف که سرمنشأ احداث بسیاری از قوانین و مقررات کشورها می‌باشد، عدم مخالفت با رویه جاری و ساری جامعه به نوعی که باعث نشود که عمل و یا فعلی حادث شود که علاوه بر ضدیت با عرف و اخلاق و اعتقادات جامعه سبب به هم ریختگی و یا آشفتگی فکری قشر قابل توجهی از اعضاء جامعه را بوجود آورند، می‌تواند تعریفی مصداقی باشد. در خصوص نظم عمومی و اخلاق حسنه عمدتاً مرتکبین با فعل مثبت و یا ارتكابی خود شرایط نارضایتی را فراهم می‌آورند و اما قسمت اعظم و مهمی که در مواجهه با این عبارت وجود دارد، این است که رفتار مغایر با نظم عمومی باید چگونه باشد و چه کسی تشخیص‌دهنده این رفتار می‌باشد که باید در این خصوص نظرش به عنوان شاخص، مورد قبول واقع شود. در پاسخ به سوال اول توضیحات مبسوطی ارائه گردید و در این خصوص عمدتاً نظر افراد شاخص به صورت غالب، ملاک عمل برای جامعه می‌باشد و در موارد زیادی قانونگذار اقدام به وضع قانون در تعیین مصادیق پرداخته است؛ اما در خصوص سوال دوم مرجع تطبیق عمل ارتكابی در جهت مغایرت و تشخیص قانونی برعهده مسئولین حکومتی می‌باشد و بدلیل همین نظم و اخلاق حسنه است که باید این برقراری نظم و اخلاق با حکومت باشد؛ زیرا اگر چنین نباشد و هرکسی بخواهد رفتار

مخالف عقیده و طبع خود را سرکوب نماید، رفتاری همانند انسان‌های اولیه و عصر حجری خواهیم داشت و این نوع رفتارها جامعه را از نظم محوری به سمت آنارشیزم و بی‌نظمی خواهد برد و نه تنها خدمت موثری ارائه نمی‌شود، بلکه باعث توقف امر خدمت‌رسانی مستمر می‌گردد (نوین، ۱۳۹۰: ص ۸۵).

۴-۲. شأن انسانی

شأن به معنی منزلت و مرتبت اجتماعی و فردی هر انسانی بوده و در فقه در ابوابی چون زکات و نکاح و غیره بحث شده است. مراد از شأن، مقام و منزلت خانوادگی و اجتماعی انسان است که در شرع مقدس بدان توجه ویژه شده است. جمهوری اسلامی ایران در این خصوص معتقد است که هر مسلمان با اعتقاد به مبدأ و معاد و یکتایی خداوند متعال می‌بایست زندگی خود را در این چارچوب کارسازی نماید و نباید انسان در ساختن زندگی خود از اصول بنیادین اعتقادی خود عدول نماید و آزادی انسان با توجه به انتخاب دین در محدوده دین خلاصه خواهد شد و در طرف دیگر این نظریه، اعتقادات مادی صرف خالی از هرگونه رنگ و بوی دینی می‌باشد. این گروه معتقدند که انسان چیزی به نام «نه» و «محدودیت» در مقابلش نیست و تنها محدودیت وی تضاد حقوق فردی با حقوق عمومی جامعه است. در ادوار گذشته برای انسان‌ها به شکل امروزی حکام و زمامداران حقی قائل نبودند و آنان خود را سرمنشأ حق و محل اصدار قانون که حق از آن سرچشمه می‌گرفت، می‌دانستند، اما با پیشرفت نوع بشر و تکامل فکری وی و احداث انواع و اقسام علوم و تکنولوژی، سطح درک و فهم جامعه به نحو چشمگیری بالا رفت؛ گونه‌ای که دیگر کم‌کم زبان غالب زورگویی کارفرمایان و تابعیت کارگران رو به اضمحلال گذاشت و این امر باعث پیدایش نوعی خیزش شخصیتی و بالا رفتن سطح توقع امکاناتی در بین مردم جوامع مختلف در احترام به خود و ممنوع بود که بزودی مورد الگوبرداری قرار گرفت و به جهت مسائل بین‌المللی و حکومت‌داری، مورد التفات نسبی تمام حکومت‌داران قرار گرفته و حتی در جایگاه‌هایی هم حکومت برای دفاع از جایگاه و شأن انسانی افراد جامعه خود وارد و نسبت به کسانی که این شأن را مورد تعرض قرار می‌دادند، موضع‌گیری نمود و بعضاً آنها را وادار به احترام نمود. به طور کلی رعایت یکسری مجموعه قواعد و قوانین و عملکردها در جوامع و در سطح بین‌المللی باعث پیدایش و احترام‌گذاری به شأن انسان گردید و در تایید آن می‌توان به پاره‌ای از قوانین داخلی و بین‌المللی اشاره کرد (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۵۵). عموماً هنگامی که از شأن و منزلت انسانی سخن گفته می‌شود، این سخن وجهی آرمانی به خود می‌گیرد، اما در حقوق عمومی اصل بر آن است که شأن و منزلت انسانی به عنوان حق‌ها و آزادی‌های شهروندی مطرح شود» (نوین، ۱۳۹۰: ص ۱۰۹). به طور کلی برای

منزلت انسانی سه منبع مهم و تاثیرگذار وجود دارد: دین، اخلاق و عرف. در عمده جوامع، باورهای دینی پدیدآورنده نظرگاه عملی و ذهنی افراد می‌باشد؛ زیرا حرکت فرد و در سطح وسیع‌تر جامعه دینی بر مبنای اعتقادات آنان استوار است و عمده اخلاقیات جامعه را اعتقادات شکل می‌دهد. حال جای سوال دارد که در جوامعی که اعتقادات دینی ندارند، اخلاق بر چه مبنایی شکل می‌گیرد؟ در اینجا به خوبی نقش عرف در قاعده‌پردازی و اسلوب‌سازی فکری برای خوب و بد و باید و نباید خود را نمایان می‌سازد و می‌توان گفت که اخلاق به نوعی البته نه همیشه، ساخته عرف هم می‌تواند باشد. از دیدگاه اسلام چون انسان اشرف مخلوقات الهی است، پس باید هر آن چیزی را که باید برای نیل به لقاءالله می‌باشد، برای او تهیه نمود، و بواسطه این ذات خداجو که در درون انسان توسط خالقش به ودیعه گذاشته شده است، انسان و انسانیت و شأن او با کرامت و عزت می‌باشد و اسلام از هر شخص و یا عملی که این ذات زیبا را مخدوش نماید، اظهار انزجار نموده است.

۴-۳. امور عمومی

«امور عمومی» شامل تمامی شئون جامعه است که دولت مسئولیت مدیریت آن‌ها را برعهده دارد. دولت این وظیفه را یا به صورت مستقیم (تصدی‌گری) و یا از طریق نظارت بر فعالیت سایرین اعمال می‌کند. در هر دو صورت، حضور مقتدرانه دولت برای تضمین حقوق شهروندان و پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده، ضروری است. در قانون بودجه تعاریفی بودجه‌ای از این عناوین به عمل آمده که به نظر می‌رسد نظارت و مروری بر مطالعه این متون قانونی خالی از فایده نباشد. در قانون بودجه در ذیل بند (۲) از بخش دوم که به انواع طبقه‌بندی بودجه می‌پردازد، امور اجتماعی را نیز روشن کرده است (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ص ۲۰۹). پس، کلیه امور حکومتی در این تعریف لحاظ شده و حکومت با این تعریف موظف است در چاقوب قانونی انجام وظیفه و ارائه خدمات داشته باشد و هرگونه تخطی از این امر، تخلف از قانون می‌باشد، که در جوامع متکی بر آرای عمومی، دولتمردان در جامعه از اینکه مردم آن‌ها را عامل به قانون ندانند و به عبارتی آنان را قانون‌مدار ندانند، پرهیز می‌نمایند و چه بسا چنین برداشتی در اذهان عمومی نه تنها پایان و یا افت محبوبیت سیاسی فرد یا حزبی شود، بلکه امکان دارد لگام امور را از دست دولتمردان خارج و با اعتصاب و تظاهرات و خواهان بودن برای پایان دولتی چه به نحو استعفا و چه به نحو استیضاح باشند، پس، یکی از مهم‌ترین راه‌های رضایت مردم، تسلط بر امور عمومی و بالتبع ارائه خدمات عمومی مربوط به این وظایف می‌باشد (جلالی و حیدری، ۱۳۹۵: ص ۴۷).

۴-۴. اجتماعی و فرهنگی

خدمات حکومت که عمدتاً مورد توجه اقشار وسیعی از افراد جامعه می‌باشد، در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی است. فعالیت در این رابطه بسیار گسترده و قابل بسط می‌باشد، به طوری که می‌توان اموری از قبیل محیط زیست و کار و فعالیت و به طور کلی هر اقدامی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با تسهیلات زندگی و کار و ادامه تحصیل و مسائل علمی و آموزش و غیره سروکار دارد را یافت، و در این مقوله نسبت به این امور تبادل افکار نمود و در ذیل بند (۲) بخش دوم انواع طبقه‌بندی بودجه در قانون بودجه تحت عنوان امور اجتماعی آمده است: «مجموعه‌ای از وظایف دولت است که امکانات زیست مطلوب‌تر انسان را در امکانات مختلف کار، فراغت، و استراحت جهت تعادل‌های اجتماعی برقرار می‌کند» (همان).

۴-۵. امنیتی

از ابتدایی‌ترین خدمات حاکمیتی برای افراد تحت حکومت، برقرای امنیت اجتماعی می‌باشد که این امنیت به دو بخش تقسیم می‌گردد:

۴-۵-۱. امنیت داخلی

هر حکومت قادر و قابل وظیفه تأمین امنیت افراد درون جامعه خود را برعهده دارد و این بدان معناست که اگر در داخل کشوری جرم و جنایت زیاد باشد، اول دولتمردان با عدم اقدام مناسب به پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی و نظامی نتوانسته‌اند به وظایف ذاتی خود خوب عمل نمایند و دوم اینکه دولتمردان و مجریان امنیت قانون در اجرا آنگونه که باید اقدام می‌نمودند، اقدام نکرده‌اند و این امر باعث ازدیاد جرم و جنایت و تجری مجرمین در داخل جامعه شده است. امنیت ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مالی و غیره دارد. در گذشته امنیت صرفاً بُعد نظامی را دربرمی‌گرفت، اما امروزه علاوه بر بُعد نظامی، با افزایش درخواست‌های ملت در حوزه‌های مختلف و افزایش جنبش‌های فروملی، کاهش حاکمیت ملی، افزایش جرایم و غیره، اهمیت ابعاد دیگر امنیت و استمرار تأمین آنها به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب و جلب رضایت‌مندی عمومی مردم جامعه، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۵-۲. امنیت خارجی و مرزها

علاوه بر رعایت نظم و امنیت که تعریفی عام دارد و دارای شقوق داخلی و خارجی می‌باشد، لازم است که سرحدات و مرزهای هر حکومتی بواسطه حفظ موجودیت و کیان آن جامعه توسط سربازان مورد حمایت و پاسداری واقع شود (رضایی‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۵۵). در نظام بین‌الملل امروز، مفهوم امنیت دیگر محدود به

حفاظت از مرزها یا امنیت داخلی نیست. کشورها ناچارند منافع خود را در مناطقی خارج از تسلط مستقیم خود نیز تأمین کنند؛ نمونه بارز آن، مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن برای حفاظت از کشتی‌های تجاری است. همچنین در مباحث حقوقی، مفهوم «صلاحیت» نیز گسترش یافته است، به طوری که کشورها گاهی اعمال قوانین و حاکمیت خود را حتی در قلمرو سایر کشورها نیز پیگیری می‌کنند. در طبقه‌بندی بودجه کشور، یکی از وظایف دولت و مرتبط با امنیت این‌گونه ترسیم شده است: «مجموعه‌ای از اقدامات دولت که با هدف حراست از مرزها و برقراری ثبات سیاسی از طریق دفاع نظامی و غیرنظامی انجام می‌شود، تا بستر لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم گردد». در رابطه با تهدیدهای امنیتی دو رویکرد سنتی و رویکرد نوین وجود دارد؛ در رویکرد سنتی، تهدید حیات و بقاء مطرح است و در رویکرهای نوین، تهدید امنیتی بسترهای مختلف در سطوح مختلف را دربرمی‌گیرد. در دیدگاه‌های جدید در حوزه امنیت، تهدیدهای امنیتی به پویش‌هایی گفته می‌شود که در سطح ملی، فروملی، و منطقه‌ای توانایی بهره‌برداری از ارزش‌های ملی مانند دفاع، مشارکت، حیات، امنیت و ابتکار عمل را کاهش دهد (تاجیک، ۱۳۸۱: ص ۳۴).

۶-۴. اقتصادی

ابعاد اقتصادی نقشی کلیدی در بقای حکومت‌ها و رفاه شهروندان ایفا می‌کنند. برخلاف تصور رایج، بسیاری از حکومت‌ها نه به دلیل جنگ، بلکه بر اثر بحران‌های اقتصادی دچار فروپاشی می‌شوند. در واقع، عامل اقتصادی نه تنها هم‌تراز با سایر مؤلفه‌های پایداری است، بلکه می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین شاخص در بقای یک نظام سیاسی باشد؛ واقعیتی که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و حکمرانان بوده است. در ذیل بند (۲) بخش دوم انواع طبقه‌بندی بودجه در قانون بودجه تحت عنوان امور اجتماعی آمده است: «مجموعه‌ای از وظایف دولت است که امکانات تولید، توزیع و مصرف را از طریق ایجاد و توسعه ظرفیت‌های اقتصادی در جهت تعادل‌های اقتصادی در جامعه برقرار می‌سازد».

۷-۴. سیاسی

بهترین حکومت در نظام داخلی برای اتباعش حکومتی می‌باشد که با سیاست‌های داخلی و خارجی، راهبردی و عملیاتی، جامعه مورد حمایت خود را در موقعیتی خوب و عالی قرار دهد، در اینجا سیاست همان خط‌مشی تفکری و برنامه‌های دولت در خصوص بودجه و نوع اقدام به امور و روابط درون جامعه‌ای و برون جامعه‌ای و حتی با دیدی موسع قانونگذاری می‌باشد (ویژه، ۱۳۸۳: ص ۸۷). یکی از موانع رسیدن به حکمرانی خوب و مطلوب، محدود کردن آزادی فعالیت احزاب و تشکّل‌های مدنی است. رعایت حقوق

مدنی و حقوق شهروندی و قانون‌مداری زمینه‌ساز دستیابی به یک حکمرانی خوب و مطلوب است. پاسخ‌گویی همه نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی در دورن یک جامعه، وجود شفافیت و جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان به اطلاعات، جامعه مدنی فعال در همه حوزه‌های اقتصادی، اجتماع و ایدئولوژیک، مبارزه با فساد برای سالم‌سازی جامعه و بهبود رفاه عمومی و دقت در سلامت اداری برای دولت و شهروندان همانند کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی، مشارکت فعال شهروندان و داشتن حق اظهارنظر، حاکمیت قانون و رعایت حقوق شهروندی به ویژه حقوق اقشار ضعیف و اقلیت‌ها که قطعاً نیاز به سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم دارد، مسئولیت‌پذیری مسئولان از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی خوب بوده و استمرار این خدمت‌رسانی‌ها موجب جلب رضایتمندی عمومی مردم است.

۴-۷-۱. بخش درون جامعه‌ای

این بخش توسط افراد ذیصلاح و یا مختار از سوی آنان برنامه‌ریزی و پس از تصویب برای کلیه ارکان جامعه قابل اجرا و لازم‌الاتباع است و در ایران سیاست‌های کلی طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت نظارت و تصویب رهبری مشخص و ابلاغ می‌شود. کلیه اقدامات در کشور تحت پوشش سیاست‌های کلی واقع می‌شود و سیاست‌های کلی تمامی انواع ارائه خدمات عمومی در کشور را در بخش‌های درون مرزها و بیرون مرزها پوشش می‌دهد. بودجه اقدامات این خدمات هم بدلیل اهمیت و بار سیاسی آن توسط دولت با ارائه لایحه و بررسی و تصویب در مجلس صورت می‌گیرد. از حیث سیاسی، بودجه مهم‌ترین و برترین ابزار اجرای سیاست توزیع درآمدهای ملی و انعکاس رقی فعالیت‌های دولت است و لذا بر قوه مجریه است که فعالیت‌های مالی خود را رهبری کند. با توجه به اینکه اکثریت فعالیت‌های دولت منحصر به تولید و سرمایه‌گذاری و خدمات می‌باشد و در نهایت تمامی آنها منجر به ارائه خدمات در بلندمدت و کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌گردد، که تماماً مرتبط با سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... می‌شود.

۴-۷-۲. برون مرزی

این قسم از کار که متولی آن دستگاه اجرایی تحت نظارت رئیس جمهور به نام وزارت امور خارجه می‌باشد و بر مبنای سیاست‌های کلی مندرج در فصل دهم مبادرت به ارتباط تأمین منافع کشور و شهروندان می‌نماید که منتهی به ارائه خدماتی برای کل مجموعه حکومت و اتباع می‌شود.

۴-۸. ضرورت زمانی استمرار خدمات عمومی

خدمات عمومی و استمرار آن باید در زمان مناسب قابل ارائه باشد؛ زیرا در صورت ارائه نادرست در زمان نامناسب، خدمات و استمرار آن نه تنها ارزشی ندارد، بلکه ناکارآمد می‌باشد، مثل اینکه به فردی در فصل زمستان یخ جهت استفاده در آب خوردن بدهند. هر امری باید در محدوده زمانی و با توجه به نوع نیاز در آن زمان ارائه گردد. مثلاً در عید که پلیس راهور باید در جاده‌ها به طور فعال‌تری حضور یابد، از حضور پررنگ امتناع نماید و در زمانی که تردد زیادی در جاده‌های کشور نیست، پلیس با آماده‌باش برای جاده‌های خلوتی که می‌تواند با تعداد کمی پلیس آن را پوشش دهد، با خیل انبوهی از افراد پلیس در جاده‌ها حاضر باشند، این امر بدلیل عدم تناسب، یعنی اینکه میزان نیرو با نظارت تعادل ندارد، اگر نگوییم که کار عبثی بوده است و توجه آن این باشد که پلیس باید به طور فعالانه در صحنه حضور داشته باشد، اما قطعاً کاری غیرحرفه‌ای می‌باشد (عباسی، ۱۳۸۹: ص ۵۲).

۴-۹. ضرورت استمرار خدمات عمومی

خدمات عمومی و استمرار در خدمات باید در محل مورد نیاز و یا حداقل نزدیک‌ترین محل به خدمات‌گیرندگان باشد. مثلاً برای اینکه فرزندان یک روستا در سه ساله اول بخوانند درس بخوانند، برای آنان در ۳۰ کیلومتری روستایشان مدرسه‌ای احداث شود، قطعاً مردم روستا به دلیل مسافت زیاد و خطرات مستحده و همچنین هزینه مالی و عدم نظارت و خستگی فرزندان در رفت و آمد، از فرستادن کودکانشان به این مدرسه منصرف خواهند شد، پس، باید در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در خصوص ارائه خدمات عمومی، ضرورت مکان مناسب مد نظر قرار گیرد (جلالی و حیدری، ۱۳۹۵: ص ۴۹).

۵. نتیجه‌گیری

قوانین و مقررات اداری ایران، همواره بر پایه آموزه‌های اسلامی و اصول حقوقی، بر ارائه خدمات عمومی تأکید داشته‌اند. با این حال، بسیاری از این قوانین به دلیل فقدان تخصص کافی در فرآیند قانون‌گذاری، دچار نقص‌های فنی هستند. اگرچه مجلس از ابتدای تأسیس، تلاش کرده تا با وضع قوانین، مشروعیت اقدامات دولت را تأمین و زیرساخت خدمات عمومی را فراهم کند، اما نتیجه این رویکرد، تولید انبوهی از قوانین بوده که با واقعیت‌های بودجه‌ای و توان اجرایی دولت همخوانی ندارند. در واقع، ما با حجم عظیمی از قوانین مواجهیم که تعهدات بسیاری ایجاد کرده‌اند، اما امکانات لازم برای اجرای آن‌ها وجود ندارد. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، قوانین تنها زمانی تصویب می‌شوند که ظرفیت‌های مالی و اجرایی لازم

برای آن‌ها تضمین شده باشد. خوشبختانه در سال‌های اخیر، مجلس، دولت و شورای نگهبان با درک این چالش، تلاش کرده‌اند از تصویب قوانین هزینه‌ساز و فزاینده از بودجه جلوگیری کنند. نکته مهم این است که رفاه و آسایش عمومی، اولویت اصلی شهروندان در هر حکومتی است. نکته حقوقی قابل تأمل اینکه، اگرچه «اصل استمرار خدمات عمومی» به صراحت در قوانین ایران نیامده، اما از اصول متعدد قانون اساسی نظیر اصول ۱۳۵-۱۳۰-۱۳۱-۶۸-۱۱۹ و ۶۳ و رویه‌های قضایی دیوان عدالت اداری می‌توان آن را استنباط کرد. امروزه تحقق «حکمرانی خوب» نیازمند پابندی نظام سیاسی به اصولی همچون شفافیت، پاسخ‌گویی، مبارزه با فساد، حاکمیت قانون و تضمین تداوم خدمات عمومی است؛ چراکه تنها در سایه این اقدامات است که رضایت عمومی و پایداری حکومت حاصل می‌شود.

۶. پیشنهادات

- دولت و مجلس و تمامی دست‌اندرکاران خدمات‌رسانی باید اصل حداکثری را به عنوان مبنا مورد قبول قرار دهند.
- دولت در ضرورت استمرار خدمات عمومی و خدمات‌دهی خود، طبقات محروم جامعه را به‌صورت موردی در نظر داشته باشد.
- کارگزاران خدمات عمومی در ارائه خدمات مستمر خود اصل مردم‌سالاری و مردم‌محوری را مد نظر قرار دهند.
- خدمات عمومی و استمرار آن باید به‌گونه‌ای باشد که در حداقل زمان و حداقل بُعد مسافت در اختیار افراد جامعه قرار گیرد.
- دولت و مجلس با ایجاد کمیسیونی مشترک به بررسی قوانین بپردازند و آئین‌نامه‌های موازی و مشابه را که نه‌تنها باعث استمرار در خدمات‌رسانی نمی‌شود، بلکه باعث اختلال هم می‌گردد، درهم ادغام نمایند. دولت و مجلس با توجه به بودجه و امکانات، به‌گونه‌ای برنامه‌نویسی و قانونگذاری و آئین‌نامه‌نویسی نمایند که خدمات عمومی و استمرار آن را دچار حصر و محدودیت نکنند.

منابع

- امامی، محمد (۱۳۹۴). *حقوق اداری*. تهران: میزان، ج ۱، چاپ دوم.
- انصاری، ولی الله (۱۳۸۴). *کلیات حقوق قراردادهای اداری*. تهران: حقوقدان، چاپ ششم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت‌ها و راهبردها*. تهران: فرهنگ گفتمان، ج ۱.
- جلالی، محمد؛ حیدری، فروغ (۱۳۹۵). تأملی بر اصل استمرار خدمات عمومی در پرتو قوانین و آراء دیوان عدالت اداری. *رأی آرای قضایی*، شماره ۱۶.
- دباغ، سروش؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب. *مدیریت دولتی*، ۱(۳).
- رضایی‌زاده، محمدجواد (۱۳۸۵). *حقوق اداری*. تهران: نشر میزان.
- رضایی‌زاده، محمدجواد؛ کاظمی، داود (۱۳۹۱). بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۳(۵): ص ۲۳-۴۶.
- شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. *فرهنگ مدیریت*، ۱(۴).
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۷). *حقوق اداری تطبیقی*. تهران: سمت، چاپ دوم.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۹). *حقوق اداری*. تهران: نشر دادگستر، ج ۱.
- کاظمی، داوود (۱۳۹۱). *بررسی اصول و مبانی حقوق اداری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر دادگستر.
- گرچی‌ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *مبانی حقوق عمومی*. تهران: جنگل، ج ۱، چاپ سوم.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۷). *حقوق اداری*. تهران: میزان.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب، بیان توسعه. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*.
- نوین، پرویز (۱۳۹۰). *اصول حقوق عمومی حقوق اداری تطبیقی*. تهران: جنگل.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. تهران: نشر میزان.
- هداوند، مهدی؛ مشهدی، علی (۱۳۹۱). *اصول حقوق اداری*. تهران: انتشارات خرسندی.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). *مفهوم اصل برابری حقوق عمومی نوین. حقوق اساسی*، شماره ۲.
- Johnson, R. W. & Minis, H. (2000). *Toward Democratic Decentralization: Approaches to Promoting Good Governance*. Near East Bureau, Democratic Institution Support Project.
- URL= https://www.rti.org/sites/default/files/resources/Toward_demo_decen.pdf
- Musgrave, R. A. (1959). *The Theory of Public Finance: A Study in Public Economy*. McGraw-Hill.